

محمدرضا باهنر عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در گفت‌وگو با «ایران»:

استقلال سیاسی، دستاورد مهم کشور در دوره رهبر شهید است



گفت‌وگو

گروه سیاسی

محمدرضا باهنر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در گفت‌وگو با «ایران»، به تبیین دیدگاه‌های رهبر فقید انقلاب، درباره سه محور کلیدی «استقلال»، «آزادی» و «جمهوری اسلامی» و همچنین «سیاست‌گذاری‌های

در ادبیات آیت‌الله سید علی خامنه‌ای رهبر شهیدمان، واژه «استقلال» بسامد بالایی دارد. به نظر شما، دلیل این همه تأکید بر استقلال از سوی ایشان چه بود؟ به لحاظ عینی، وضعیت استقلال کشور در دوره رهبری ایشان چه مختصاتی پیدا کرد؟ نمونه‌هایی از نتایج استقلال کشور به لحاظ داخلی و خارجی را برشمارید.

استقلال در ابعاد مختلفی نظیر استقلال سیاسی، نظامی، علمی، اقتصادی و غیره مطرح می‌شود. اما با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر جهان امروز، فناوری‌های موجود، روابط گسترده بین‌المللی و سایر عوامل، این گونه از استقلال معمولاً به شکلی که برخی تصور می‌کنند معنا نمی‌شود. به این معنا که نمی‌توان با کشیدن سیم خاردار در اطراف کشور از هرگونه رفت‌وآمد جلوگیری کرد یا انتظار داشت همه نیازهای کشور در داخل تأمین شود و مازاد تولید نیز امکان صادرات نیابد. چنین برداشتی از استقلال، سنتی و کهنه تلقی می‌شود و در هیچ جای دنیای نیز دنبال نمی‌شود. آنچه بسیار حائز اهمیت است - به ویژه پس از جنگ جهانی دوم - مسأله استقلال سیاسی کشورهاست. استقلال سیاسی

کلان» کشور زیر نظر ایشان پرداخته است.

باهنر با تأکید بر اینکه واژه «استقلال» در ادبیات رهبری فقید از بسامد بسیار بالایی برخوردار بوده، می‌گوید: مقصود از استقلال، معنای سنتی آن یعنی قطع کامل روابط با جهان نیست، بلکه هسته مرکزی اندیشه ایشان «استقلال سیاسی» بود. به گفته وی، جمهوری اسلامی ایران با شعار محوری «نه شرقی، نه غربی» توانست برای نخستین بار در تاریخ معاصر، الگوی عدم وابستگی به بلوک‌های شرق و غرب را عملاً محقق سازد؛ به گونه‌ای که امروز حتی کشورهای متخاصم نیز ایران را به وابستگی سیاسی متهم نمی‌کنند. باهنر

شاید مهم‌ترین و برجسته‌ترین مسأله در این زمینه باشد. پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم، جهان به دو بلوک شرق و غرب تقسیم شد. بلوک غرب به رهبری آمریکا (و پیش از آن به رهبری انگلیس) قرار داشت و اغلب کشورها تحت تسلط یکی از این دو بلوک بودند. بعدها نهضتی به نام «کشورهای غیرمتعهد» شکل گرفت و مدتی نیز فعالیت کرد و برخی کشورها به آن پیوستند. اما شاید نخستین کشوری که به طور جدی مسأله عدم وابستگی به شرق و غرب را مطرح ساخت، نظام جمهوری اسلامی ایران بود. شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» جزو شعارهای محوری انقلاب به شمار می‌رفت؛ به این معنا که هیچ گونه وابستگی سیاسی به شرق یا غرب پذیرفته نیست. برخی حتی امروز نیز این مفهوم را به نادرست تفسیر می‌کنند و آن را به وابستگی اقتصادی، علمی یا فناورانه تعمیم می‌دهند، در حالی که مقصود چنین نیست. کشورها همواره با یکدیگر مرادوه دارند؛ هر کشوری دارای مزایایی است، کالاها و خدمات خود را صادر و نیازهای خود را وارد می‌کند. این بحثی جداگانه است. اما استقلال سیاسی مقوله‌ای بسیار جدی است که پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی

این دستاورد را بزرگ‌ترین عامل انسجام ملی می‌داند و معتقد است با وجود انتقادات گوناگون به عملکرد نظام در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی، «استقلال سیاسی» نقطه وفاق و تعصب ملی همه ایرانیان است. وی در ادامه با اشاره به شهادت آیت‌الله خامنه‌ای، این رویداد را آزمون بزرگ برای انسجام ملی توصیف می‌کند و می‌گوید: برخلاف نگرانی‌های موجود، جمهوری اسلامی می‌گذرد و استقلال سیاسی - که بیشتر بر این نقطه فشار آورد، اتحاد ملی مستحکم‌تر شود.

متن کامل این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

در عرصه جهانی مطرح شد. بسیاری - حتی در همان سال‌های نخست پیروزی انقلاب - از جمله کارشناسان آمریکایی که ایران را ترک می‌کردند، پیش‌بینی می‌کردند که ایران به دلیل نیازهای خود، ناگزیر به وابستگی بازخواهد گشت. اما بحمدالله، اکنون نزدیک به پنج دهه از استقرار نظام جمهوری اسلامی می‌گذرد و استقلال سیاسی - که می‌توان آن را یکی از مسائل هویتی و تعصبی کشور دانست- همچنان حفظ شده است. ایران امروز در وضعیتی قرار دارد که حتی کشورهای متخاصم نیز نمی‌توانند آن را به وابستگی سیاسی منتزعی نامند. ایران امروز در وضعیتی قرار دارد که حتی کشورهای متخاصم آمریکا و کشورهای اروپایی هیچ‌کدام نمی‌گویند که حکومت ایران دست فلت کشور خارجی یا تحت تأثیر آن است. استقلال سیاسی نظام جمهوری اسلامی امروزه مورد پذیرش عملی همه کشورهای جهان و قدرت‌های بین‌المللی قرار گرفته است. ممکن است با آن موافق نباشند، اما این واقعیت را به رسمیت می‌شناسند. این مسأله یکی از مهم‌ترین دستاوردهای نظام و شاید بزرگ‌ترین عامل انسجام ملی ایران باشد. چه بسا افراد زیادی در کشور نسبت به برخی رفتارها، سیاست‌ها یا مشکلات اقتصادی و دیگر

نموده‌ها یا نمونه‌های مشخصی که نشان می‌دهد آزادی همچون استقلال در قانون توجه رهبری معظم انقلاب بوده است چه مواردی است؟

آزادی نیز مقوله‌ای است که نیازمند تعریف دقیق است. آزادی مطلق و بی‌قید و شرط، عملاً به «آزادی جنگل» تبدیل می‌شود؛ جایی که هرکس به اندازه قدرت خود عمل می‌کند، قوی‌ترها صریح‌ترها را تحت سلطه می‌گیرند و نظام طبیعی حاکم می‌شود. بنابراین تعریف جامع و مانع از آزادی این است که آزادی هر انسان تا جایی قابل قبول است که با آزادی دیگران تعارض نکند. اگر هرکس به اندازه قدرت

و دسترسی‌های خود آزاد باشد، نظم اجتماعی مختل خواهد شد. مسأله آزادی دارای چهارچوب‌هایی است؛ چهارچوب‌های اعتقادی، هنجارهای اجتماعی و رعایت آزادی دیگران. در قانون اساسی نیز تأکید شده است که استقلال و آزادی کشور تا جایی معنا می‌یابد که به یکدیگر لطمه وارد نکنند. آزادی افراد نباید به استقلال ملی آسیب بزند و استقلال نیز باید با آزادی‌های مشروع در تعادل باشد. به عبارت روشن‌تر، آزادی هر انسان تا جایی مشروع است که به آزادی دیگران لطمه نزند. طبیعتاً چنین آزادی نیازمند قانون و مقررات است. به عنوان مثال، اگر کسانی به بهانه آزادی، امنیت دیگران را به مخاطره اندازند، این اقدام با آزادی مشروع در تعارض است. از این رو، قوانین باید حداکثر آزادی‌های مشروع شهروندان را تأمین کنند.

موارد استثنایی مانند دوران جنگ و محدودیت‌های موقت را کنار بگذاریم؛ در شرایط عادی، مردم می‌توانند صحبت کنند، انتقاد کنند، برخی از سیاست‌های نظام یا حتی قوانین را نقد نمایند. اما نقد قانون به معنای قانون شکنی نیست. هیچ جامعه‌ای به منتقد قانون اجازه شکستن قانون را نمی‌دهد. نقد بجا و قانون‌مدار بودن هر دو ضروری در جای خود محترم هستند. به نظر من آزادی در چهارچوب تعریف شده قانون اساسی از منظر رهبر فقید انقلاب بسیار مورد توجه بود. به صورت عینی می‌توان به گردش قدرت از طریق انتخابات در جمهوری اسلامی اشاره کرد که دولت‌ها و مجالس مختلف با گرایش‌های متفاوت سیاسی بر سر کار آمده‌اند.

جمهوری اسلامی، شعار اصلی دیگر انقلاب بود که در نهایت نام نظام نوپا هم شد. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران در دوره رهبری آیت‌الله خامنه‌ای به دوره تثبیت یعنی گذار از مرحله تأسیس به استقرار و تثبیت رسید. این تثبیت و اقتدار داخلی و خارجی تا چه اندازه مرموز و همراهی و صبوری مردم باعث شد که هر چه دشمن رهبری و سیاست‌گذاری‌های آن شهید بوده است؟

یکی از موضوعات حساس نظام جمهوری اسلامی از ابتدا، مسأله اتحاد و همبستگی میان مردم و حاکمیت بوده است. دشمنان انقلاب - از جمله ضد انقلاب، آمریکا، رژیم صهیونیستی و دیگر مخالفان - نیز به سرعت دریافته‌اند که مهم‌ترین نقطه آسیب‌پذیر نظام، حمایت مردمی است. تمام جنگ‌هایی که در طول نزدیک به پنج دهه به ایران تحمیل شده، با هدف ضربه زدن به همین نقطه صورت گرفته است؛ جنگ هشت ساله، تحریم‌های اقتصادی و جنگ‌های رسانه‌ای، جنگ‌های ترکیبی و حتی جنگ شناختی که امام شهید بر آن تأکید داشتند، همگی برای خسته کردن یا معاند ساختن مردم و ایجاد اختلاف میان آنان با نظام طراحی شده‌اند. از سوی دیگر، در نظام جمهوری اسلامی، ممکن است مردم در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و برخی مسائل دیگر نسبت به عملکرد نظام انتقاد داشته باشند، اما انسجام، همگرایی و همدلی آنان، باصل نظام در مسأله استقلال و امنیت ملی، یک واقعیت انکارناپذیر



است. نمونه اخیر و مهم این انسجام، پس از شهادت مقام معظم رهبری نمایان شد. پیش از این واقعه - با وجود اینکه خود ایشان شهادت را آرزو می‌کردند - بسیاری نگران بودند که در فقدان ایشان چه بر سر انسجام ملی خواهد آمد. اما همراهی، ایثار، صبوری و درایت مردم باعث شد که هر چه فشار دشمن بر این پاشنه آشیل بیشتر شد، انسجام ملی نیز مستحکم‌تر گردد. نکته دیگر، تأثیر تحریم‌هاست. جالب آنکه در حوزه‌هایی که تحریم‌ها سخت‌تر بوده، پیشرفت بیشتری حاصل شده است. از همان سال‌های نخست انقلاب، کشور در زمینه تجهیزات نظامی، فناوری‌های دفاعی و تسلیحات تحت تحریم بود و کشورهای غربی از فروش هرگونه سلاح و امکانات نظامی به ایران خودداری می‌کردند. امروز اما وضعیت دفاعی، موشکی و پهپادی ایران گواه آن است که هر جا فشار دشمن بیشتر بوده، کشور مقاوم‌تر و پیشرفته‌تر شده است. دشمن روی مسأله انسجام ملی نیز برنامه‌ریزی گسترده‌ای انجام داده و محاسباتش در حوزه سیاست، موارذ دقیق بوده، اما در درک برخی پارامترها ناکام مانده است. طبیعی است که فشار اقتصادی مردم را دچار مشکل می‌کند؛ در بسیاری از کشورها، همین فشارها موجب تغییر حکومت شده است. اما در ایران، هر چه فشارها افزایش یافته، انسجام، اتحاد و همراهی مردم بیشتر شده است. این پدیده از مشیت الهی و رهبری‌های دایمانه امام شهید سرچشمه می‌گیرد که در دل مردم جای داشت. امروز با فقدان ایشان و جنایت عظیمی که رژیم صهیونیستی و آمریکا در به شهادت رساندن ایشان مرتکب شدند، کینه ملت ایران کینه پدرگشتری است و به سادگی از آن نخواهند گذشت و تا آخرین قطره خون، این مسأله را پیگیری خواهند کرد. بنابراین و در جواب پاسخ شما باید گفت که جمهوری اسلامی ایران در دوره رهبری آیت‌الله خامنه‌ای به نحو شایسته دوره گذار از مرحله تأسیس به مرحله استقرار و تثبیت را سپری کرد. ثبات و حکومت‌داری مبتنی بر مردمسالاری دینی که میراث گرانسنگ رهبر کبیر انقلاب بود، در دوره رهبر شهید تجلی کامل یافت.

شما چندین دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی و همچنین عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام را با حکم رهبر شهید برعهده داشته‌اید. از نگاه ایشان به سیاست‌گذاری‌های کلان بگویید. نگاه رهبری به سیاست‌گذاری‌ها چگونه بود؟ استفاده از کارشناسان، مشاوران و توجه به دیدگاه‌های مختلف در سیاست‌گذاری‌ها از نظر ایشان چه جایگاهی داشت؟

در ساختار نظام ممکن است نقدهایی وجود داشته باشد که اکنون محل بحث نیست. این جانب چند دوره است که به عنوان عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام (که مورد اعتماد امام شهید نیز بود) و نیز نماینده مجلس شورای اسلامی فعالیت داشتم. براساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام توسط مقام معظم رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین و ابلاغ می‌شود. تمام قوای سه‌گانه، نیروهای مسلح، نهادها و همه دستگاه‌ها موظف هستند در چهارچوب این سیاست‌ها حرکت کنند و از هرگونه اقدام مغایر با آنها خودداری نمایند. اما اشکالی که وجود داشته و تا حدودی همچنان باقی است - و باید در آینده

حل شود - این است که بسیاری از این سیاست‌ها پس از ابلاغ، به دلیل نبود سازوکار الزام‌آور، به طور کامل اجرا نشده‌اند. اجرای آنها عملاً به اراده دستگاه‌های اجرایی واگذار شده و به همین دلیل، بخشی از سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری زمین مانده است. به عنوان نمونه، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نزدیک به دو دهه پیش توسط ایشان ابلاغ شد، اما تحول ملموسی در جامعه ایجاد نکرد. اخیراً نیز مجدداً بر ضرورت پیگیری اقتصاد مقاومتی در چهارچوب اتحاد ملی تأکید شده است. در نقطه مقابل، در حوزه دفاعی و نظامی که رهبری فرماندهی مستقیم نیروهای مسلح را برعهده دارد، پیشرفت‌های چشمگیری حاصل شده است. قدرت نظامی ایران علیرغم همه تحریم‌ها و فشارهای دشمن، به سطح قابل قبولی رسیده که هم در منطقه و هم در جهان - به ویژه در رویدادهای ۴۰ روز اخیر - به اثبات رسیده است. تفاوت اساسی در اینجااست: در حوزه نظامی، فرماندهی مستقیم وجود دارد، اما در حوزه اقتصاد، ساختار فرماندهی مستقیم تعریف نشده است.

دولت وظایف خود را دنبال می‌کند و رهبری حداکثر می‌تواند توصیه‌هایی داشته باشد. در مجلس و مجمع تشخیص نیز زاگر مصوبه‌ای خلاف سیاست‌های کلی تشخیص داده شود، جلوی ابلاغ آن گرفته می‌شود، اما این اقدام برای تحقق کامل یک سیاست کافی نیست. لازم است سازوکار و ساختاری تعریف شود که به محض ابلاغ سیاست از سوی رهبری، تمام مسئولان اجرایی، تقنینی، قضایی و نظامی آن را نقشه راه خود قرار دهند و همه همت خود را برای اجرای آن به کار گیرند. متأسفانه خلأ ساختاری در این زمینه وجود دارد که باید در آینده برطرف شود. با این حال رهبر شهیدمان با رویکرد آینده‌نگرانه همواره تأکید داشتند که کشور باید براساس سیاست‌گذاری‌های بلندمدت اداره شود یعنی کشور باید چشم‌انداز داشته باشد. ایشان بر این مهم تأکید داشتند و در تدوین سیاست‌گذاری‌ها از دیدگاه‌های مختلف کارشناسی و تحقیقاتی استفاده می‌شد.

رهبری فقید دارای ویژگی‌های برجسته‌ای همچون مراقبت‌های شخصی، اعتقادات راسخ، دیانت، سلامت اندیشی و دوزادبشی بودند. بسیاری از مسائل را پیش‌بینی می‌کردند و تصمیمات شان گاه جانان بود که حتی برخی از مشاوران نزدیک نیز بلسفنه‌اند را درک نمی‌کردند، اما گذر زمان درستی آنها را نشان می‌داد. در طول نزدیک به چهار دهه راهبری کشور، قدرت و امکانات ایران افزایش یافته است. بی‌تردید امروز مردم با مشکلات اقتصادی و تورم مواجه هستند - به ویژه در هفت، هشت سال اخیر که ناجوانمردانه‌ترین تحریم‌ها بر کشور تحمیل شد و مسائلی مانند نفت، بیمه، جابه‌جایی ارز و... را هدف قرار داد - اما با مقاومت اخیر و ایستادگی ۴۰ روزه مردم، آمریکا ناگزیر از عقب‌نشینی از شرایط تحمیلی خود شد و ایران توانست شرایط خود را بر دشمن تحمیل کند. اکنون قرار است مذاکراتی با آتش بسی موفق انجام شود.

این رویداد نشان داد که دشمن با همه قدرت وارد میدان شد، اما پاسخ‌گوینده و پشیمان‌کننده دریافت کرد. اگر این آتش بس به صلیح پایدار تبدیل شود و ایران بتواند به اهداف خود - به ویژه در مورد تنگه هرمز و درآمدهای ناشی از آن - دست یابد، روزهای بسیار خوبی را می‌توان در آینده پیش‌بینی کرد.

چهلمین روز شهادت رهبر و رستاخیز ملت

نظام را در همان ابتدای جنگ شاهد بودیم، تجربه‌ای که همواره نگران وقوع آن بودیم اما با وقوع این حادثه تلخ به حقیقت کلام امام خمینی و خلیف صالح او پی بردیم که نهضت اسلامی ملت ایران در عمق جان مردم ریشه دوانده و این ملت در عین تقد‌ها و گلابه‌ها در مواردی که اصل انقلاب و اهداف نورانی آن را در معرض خطر ببینند چون کوه استوار مواضع را از سر می‌گذرانند و به تعبیر رهبر شهید برای حفظ انقلاب اسلامی و ایران عزیز مبعوث می‌شوند و در این واقعه تلخ بعثت مردم را شاهد بودیم؛ ضمن اینکه اصل مهم تری را امام راحل فرموده بودند و آن الهی بنیان‌های انقلاب اسلامی بر ایمان دینی و عنایات الهی است که وقتی از رادیوهای بیگانه شایعاتی درباره مرگ خود می‌شنید و امیدوی که به دوران پس از امام بسنه بودند فرمود: «دعا کنید خدا بمیرد». یعنی مقصودشان این بود که با رحلت ایشان هیچ اتفاقی برای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران رخ نخواهد داد[در چهلمین روز شهادت مظلومانه و افتخارآمیز رهبر شهید آیت‌الله مستزادان در تظاهرات خیابانی و حمایت آنان از آیین و وطن و همبستگی با رزمندگان سلحشور میدان و تثبیت از رهبر منتخب خبرگان شاهد بودیم و نیز درک کردیم که باید به مردم و باور دینی و تاپ‌آوری می‌مثال آنان ایمان بیاوریم و در ادامه راه رهبر کبیر و رهبر شهید حقوق این مردم را مرامعات و از خدمت بی منت به آنان دریغ نکنیم.

در طول سال‌های انقلاب اسلامی ایران با بحران‌های بزرگی مواجه شدیم اما در تمامی این موارد حضور رهبر عامل تحمل مشکلات ناشی از بحران و تدبیر ایشان موجب امید و ادامه مسیر بود؛ از آغاز نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) به ویژه در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی شاهد انواع توطئه‌های بدخواهان بودیم تا انقلاب را ناکام کند و یا مسیر آن را به انحراف بکشاند؛ زور شهیدان مطهری، مفتح، قرنی، هاشمی نژاد، شهدای محراب و صدها شهید دیگر و شهادت شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی و بیش از ۷۰ نفر از عناصر مؤثر نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران در یک عملیات تروریستی، شهادت شهیدان رجایی رئیس جمهوری و باهنر نخست وزیر جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران، هر کدام به تنهایی قادر بودند ملتی را از پای در آورند اما در هر مورد بعد از خداوند متعال به امام پناه می‌بردیم و با دم مسیحایی روح‌الله از بحران عبور می‌کردیم و به راه خود ادامه می‌دادیم. این مسأله در سال‌های پس از رحلت امام خمینی نیز تا روز هشتم اسفند ۱۴۰۴ چنین بود؛ اما در تجاوز آمریکایی - صهیونی نهم اسفند ۱۴۰۴ نخستین بار بود که شهادت رهبر



احمد مازنی
نماینده‌ای در مجلس شورای اسلامی

بوده است، در حالی که ایشان معتقد بودند که یک فرد فارغ‌التحصیل باید بتواند در زندگی تأثیرگذار باشد و زندگی را آموزش دیده باشد. این فاصله بین نظر رهبری و عمل در دستگاه‌های اجرایی، یکی از چالش‌های مهم در سیستم آموزشی کشور بوده است.

در زمینه اقتصادی و سیاسی نیز آیت‌الله خامنه‌ای همیشه بر توانمندی‌های داخلی تکیه داشتند و معتقد بودند که کشور باید بتواند خودش را اداره کند. این نگاه، یکی از مهم‌ترین اصول سیاست ایشان بود. ایشان همچنین به آگاهی سیاسی مردم تأکید داشتند و معتقد بودند که مردم باید بتوانند دیدگاه‌های سیاسی لازم برای آینده خود و شواخص مؤثر نظام جمهوری اسلامی ایران در یک به اصطلاح «بصیرت» نام داشت و ایشان معتقد بودند که این بصیرت باید از مدارس شروع شود.

می‌توان گفت که آیت‌الله خامنه‌ای، رهبری برجسته و متفاوت بودند که با دانایی، جوانی و نگاه به آینده، تأثیرگذار عمیقی بر جامعه ایران داشتند. روز هشتم اسفند ۱۴۰۴ چنین بود؛ اما در تجاوز آمریکایی - صهیونی نهم اسفند ۱۴۰۴ نخستین بار بود که شهادت رهبر

و همچنین مطالعه گسترده در زمینه‌های مختلف بود. رهبری همیشه با افراد مختلفی در حوزه‌های علمی، اجتماعی و فرهنگی گفت‌وگو می‌کردند و این امر به ایشان کمک می‌کرد تا دانایی خود را گسترش دهند و در عین حال، از دانایی دیگران نیز بهره‌مند شوند.

ایشان به تمام قشرهای مردم علاقه‌مند بودند و این علاقه در عمل به خوبی دیده می‌شد. در سرکنشی از خانواده‌های شهدا تکیه‌کی میان اله تشیع و تسنن و حتی غیرمسلمانان نداشتند. این همنشینی با ایشان، یک تجربه لذت‌بخش و لطیف برای همه بود. قضایی که در آن همه می‌توانستند احساس امنیت، احترام و توجه کنند. در حال حاضر، جای ایشان خالی است. اما آموزه‌ها و رفتارهایشان هنوز هم در ذهن مردم باقی مانده است. هرچند متأسفانه، بعضی دستگاه‌های کشور، به خوبی این نکته را درک نکردند و روش‌هایی را اتخاذ کردند که با انتظارات رهبری مطابقت نداشت. به عنوان مثال، سیستم آموزش و پرورش در کشور روش‌های آموزشی ما، بیشتر روی یادگیری کتاب‌ها و مطالب نظری متمرکز

مسئولیت ما پس از شهادت رهبری

پس از شهادت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، رهبر شهید انقلاب اسلامی، وظیفه ما به عنوان مردم ایران، ادامه دادن راه ایشان است. آیت‌الله خامنه‌ای همیشه بر استقلال، وحدت و همبستگی تأکید داشتند و معتقد بودند که تنها با یکپارچگی قدرت می‌توان به پیروزی رسید. استقلال در اقتصاد، سیاست و فرهنگ، یکی از مهم‌ترین اصولی بود که ایشان دنبال می‌کردند. ما باید این اصول را به عنوان چراغ راه خود در مسیر آینده کشور بپذیریم.



مصطفی هاشمی رها
معاون رئیس‌جمهور در دولت اصلاحات

وحدت و همبستگی بین تمام قشرها، مذاهب، مناطق و جریان‌های فکری. رهبری همیشه گفتند که ایران یک ملت است و هیچ چیز نباید ما را از هم جدا کند. امروز بیش از هر زمان دیگری، نیاز به این وحدت فراموش‌نشده است. هر فردی باید در جای خود، به این وحدت کمک و از هرگونه اختلافات غیرواقعی دوری کند.